

فصل اول:

كليات تحقيق

امروزه مشکل بی‌کاری یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه می‌باشد، از این رو دولت‌ها سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی را جهت افزایش اشتغال و توسعه کارآفرینی در پیش گرفته‌اند. کارآفرینی به عنوان یک پدیده نوین در اقتصاد نقش موثری در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها یافته است. در یک اقتصاد پویا ایده‌ها، محصولات و خدمات همواره در حال تغییر می‌باشند و در این میان تشخیص کارآفرین است که الگویی برای مقابله و سازگاری با شرایط جدید به ارمغان می‌آورد. کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) ماحصل رشد کارآفرینی در جوامع است و به دلیل سهم گسترده‌ای که در تولید ناخالص ملی، ایجاد شغل، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، خود اشتغالی و تسهیل مشکلات اقتصادی داشته‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

در سال ۱۹۹۹ کسب و کارهای کوچک در آمریکا حدود ۶۸.۲ میلیون نفر در استخدام خود داشته‌اند که این رقم حدود ۵۸ درصد از نیروی کار بخش خصوصی را شامل می‌شود. در ایران ۹۹.۴ درصد از کسب و کارهای موجود، شامل کسب و کارهای کوچک و متوسط است که بیش از ۶۰ درصد از نیروی کار بخش خصوصی در این موسسات خدمت می‌کنند و سهم ارزش افزوده آنان در اقتصاد معادل ۳۴ درصد برآورد شده است (شفیع آبادی ۱۳۸۴). در کشور ما نیز با توجه به نیروی کار جوان و حرکت به سوی اقتصاد کارآفرین چند سالی است که مقوله کارآفرینی و توجه به کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که دسترسی به سرمایه یکی از عوامل مهم برای SME هاست، دولت نیز طرح ارائه تسهیلات بانکی برای تامین مالی بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین را برای کمک به حل مشکل اشتغال در سطح کشور ارائه کرده است و پس از گذشت چندین سال از تصویب این طرح، نیاز به سنجش و بررسی اثربخشی آن بر متغیرهای کلان اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. در صورت عدم ارزیابی اثربخشی این طرح و اثربخش نبودن آن میلیاردها تومان از منابع کشور به هدر خواهد رفت. در این تحقیق میزان اثربخشی این طرح بر اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر آن است که مشخص کند که آیا این طرح در افزایش اشتغال و توسعه کارآفرینی در بنگاه‌های زودبازده موثر بوده است.

۱-۲- اهمیت تحقیق

اصولا راه‌های حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و زودبازده در همه کشورها مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان اقتصادی و اجتماعی است. یکی از موارد مهم برای حمایت از این بنگاه‌ها بحث تامین مالی آنهاست. طبق گفته کوپر^۱ این مورد که سرمایه مالی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط مساله مهمی است مورد توافق صاحب نظران است، لذا مالکیت این سرمایه مهم نیست بلکه دسترسی به این سرمایه بسیار دارای اهمیت است (اژدری، ۱۳۸۷).

مطالعات گذشته نشان می‌دهد که برای موفق شدن و تعقیب فرصت‌های جدید منابع پایه‌ای موجود شرکت باید در یک راستا باشد، بنابراین دسترسی به سرمایه در صورتی که با سایر منابع پایه‌ای کسب و کار همراه باشد مفید و موثر خواهد بود.

یکی از عوامل موثر بر عملکرد کسب و کارهای کوچک و متوسط، گرایش کارآفرینانه^۲ (EO) می‌باشد. ادبیات استراتژی کارآفرینی بیان می‌کند که گرایش کارآفرینانه، عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط را بهبود می‌بخشد. گرایش کارآفرینانه دارای پنج بعد می‌باشد که عبارتند از: نوآوری، شیوه تهاجمی رقابت، پیشگامی، مخاطره‌پذیری و استقلال که تحقیقات گسترده‌ای بر روی آنان انجام شده و امروزه دارای پرسشنامه استاندارد می‌باشد (احمدپور داریانی، ۱۳۷۷). بر اساس مطالعات دیده‌بان جهانی GEM یکی از معیارهای اثرگذاری مالی به بنگاه‌های کوچک و متوسط در زمینه توسعه کارآفرینی، تغییر نوع کارآفرین از کارآفرین با انتظار بالا به کارآفرین با رشد بالاست که منجر به افزایش اشتغالزایی نیز می‌شود.

طرح حمایت از بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین با اهداف اساسی آن که در متون علمی و دانشگاهی نیز می‌توان آنها را یافت، به منظور تامین مالی اینگونه بنگاه‌ها تدوین شده و تا کنون نیز میلیاردها تومان از منابع کشور صرف این امر شده است. ارزیابی اثرات این طرح بر میزان تغییر اشتغال در کشور، ضمن تاثیر بر تصمیم‌گیری

¹ ckouper

² Enterprenurial orientation

درباره ادامه ، اصلاح و یا بهبود آن، می‌تواند سیاست گذاران و برنامه‌ریزان را در جهت طراحی استراتژی و برنامه‌هایی از این نوع کمک کند، و به منظور تبیین این مسئله، سوالاتی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

❖ آیا اعتبارات پرداخت شده در طرح بنگاه‌های زودبازده بر میزان اشتغال و کارآفرینی در سطح کشور موثر بوده است؟

❖ آیا قوانین وضع شده در راستای اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده، مناسب و کارآمد بوده‌اند؟

۱-۳- فرضیات تحقیق

(۱) اعتبارات پرداختی به بنگاه‌های زودبازده بر افزایش اشتغال و کارآفرینی در سطح کشور موثر است.
(۲) مقادیر دستمزدهای اسمی و یا حقیقی (تصویب شده توسط دولت) بر میزان اشتغال در کشور موثر است.

(۳) وضع قوانینی مناسب و کارآمد می‌تواند در بهبود اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده و تاثیر اعتبارات پرداختی بر افزایش اشتغال و کارآفرینی در کشور موثر باشد.

۱-۴- اهداف تحقیق

(۱) بررسی تاثیر اعتبارات پرداخت شده در طرح بنگاه‌های زودبازده بر توسعه کارآفرینی و اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط.

(۲) بررسی و تحلیل تاثیر اعتبارات مالی خرد بر افزایش اشتغال و کارآفرینی در کشور.

(۳) بررسی و تحلیل تجربیات سایر کشورها در گرایش آنها به بنگاه‌ها و صنایع کوچک و متوسط.

(۴) بررسی نقش اعتبارات خرد در تغییرات اشتغال در سایر کشورها.

(۵) شناخت موانع و مشکلات موجود در استفاده مطلوب از وام‌ها و اعتبارات پرداختی به بنگاه‌های زودبازده.

۶) بدست آوردن قوانین مناسب سیاستی جهت حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و همچنین کارآفرینان در کشور با استفاده از تجربیات سایر کشورها

۱-۵- روش تحقیق

روش انجام این تحقیق تحلیلی- توصیفی است. به این ترتیب که ابتدا مباحث تئوریک و مطالعات تجربی تحقیق به روش کتابخانه‌ای و اینترنتی (سایت‌های علمی) جمع‌آوری شده، بدین صورت که برای جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص مباحث نظری و پیشینه مطالعات تجربی از روش‌های کتابخانه‌ای و جستجو در سایت‌های علمی استفاده شده و بسیاری از اطلاعات جدید به ویژه تجربیات سایر کشورها، از طریق مراجعه به شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و آخرین پژوهش‌های انجام شده توسط کارشناسان این سازمان در کشورهای مذکور بدست آمده است. همچنین داده‌های آماری مربوط به متغیرهای اعتبارات پرداختی و اشتغال، از وزارت کار و امور اجتماعی دریافت شده و داده‌های مربوط به دستمزدهای اسمی و شاخص قیمتی مصرف‌کننده (شاخص CPI) از آمار بانک مرکزی بدست آمده‌اند. و در مرحله بعدی، داده‌های جمع‌آوری شده از وزارت کار و امور اجتماعی، با استفاده از روش‌های مناسب اقتصادسنجی مورد تخمین و برآورد قرار گرفته شده است و در نهایت با بررسی از استنتاجات آماری به بررسی فرضیات تحقیق اقدام خواهد شد. و سرانجام با استفاده از نتایج بدست آمده از تخمین، پیشنهادات تحقیق اراده می‌شود.

۱-۶- دوره آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل متغیرهای مرتبط با کلیه استان‌های کشور می‌باشد که در طی سال‌های اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده توسط وزارت کار و امور اجتماعی محاسبه شده‌اند. متغیر اعتبارات پرداختی، شامل اعتبارات سالانه پرداخت شده به هر استان، از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ می‌باشد، و متغیر اشتغال نیز بیانگر میزان تغییرات سالانه اشتغال در هر استان می‌باشد. متغیر دستمزد اسمی نیز حداقل دستمزد اسمی کارگران در طی سال‌های مذکور در نظر گرفته شده که برای تمامی استان‌ها (در کل کشور) ثابت بوده و تغییرات آن تنها سالانه می‌باشد. شاخص قیمتی مصرف‌کننده نیز در طی سال‌های مورد نظر از آمار بانک مرکزی دریافت شده است.

۷-۱- ساختار پایان‌نامه

همانطور که ملاحظه می‌شود، در ابتدای تحقیق سعی در بیان اهمیت انجام آن، اهداف و فرضیات مورد نظر شده است. در ادامه توجه خود را به پاره‌ای از تعاریف و نظریات گوناگون در باره موضوعات اصلی و مورد بحث در تحقیق می‌نماییم، بدین ترتیب فصل دوم به سه بخش مجزا تقسیم شده، که شامل تعاریف و نظریات گوناگون درباب، (۱) بنگاه‌های کوچک و متوسط، (۲) کارآفرینی و اشتغال و (۳) اعتبارات خرد می‌باشد. همچنین در پایان این فصل به طور جامع به مطالعات کشورهای مختلف، در هرکدام از زمینه‌های مذکور می‌پردازیم.

با توجه به اهمیت تجربیات کشورهای مختلف در زمینه اعتبارت پرداخت شده به بنگاه‌های زودبازده، فصل سوم در این تحقیق به طور کامل به بیان تجربیات، میزان موفقیت و قوانین وضع شده در سایر کشورها می‌پردازد و در فصول بعدی به روش‌شناسی تحقیق اشاره شده و سپس به تخمین و برآورد مدل می‌پردازیم و نهایتاً تحقیق با بیان نتایج و ارائه پیشنهادات در فصل پنجم به پایان می‌رسد.

فصل دوم:

ادبیات موضوع و سابقه تحقیق

۲-۱- بخش اول: مروری بر ادبیات بنگاه های کوچک و متوسط (تعاریف، نظریات، تنگناها)

۲-۱-۱- تعریف بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs)

ادبیات مربوط به اشتغالزائی واحدهای کوچک و متوسط بسیار گسترده است. این گستردگی موجب ایجاد تعاریف گوناگونی برای این واحدهای اقتصادی شده است که این تعاریف با توجه به ساختار سنی، جمعیتی، فرهنگی و درجه توسعه یافتگی متفاوت می باشند. با توجه به شباهت های فراوانی که بین بنگاه های کوچک و متوسط در کشورهای مختلف جهان وجود دارد نمی توان یک تعریف واحدی برای آنان ارائه کرد. هر کشوری با توجه به شرایط خاص خود تعریفی از این کسب و کارها ارائه کرده است، طبق گفته داوز^۱ (۲۰۰۵) طبقه بندی صنایع کوچک و متوسط مبتنی بر ۴ شاخص عمده ذیل است:

(۱) تعداد کارکنان (۲) مجموعه دارائی های خاص بنگاه (۳) میزان سطح فروش بنگاه (۴) میزان سرمایه گذاری (ملکی نژاد ۱۳۸۵).

مهم ترین شاخص جهت تعریف اندازه بنگاه های کوچک و متوسط تعداد کارکنان بنگاه ها می باشد. اگرچه این شاخص در کشورهای مختلف متفاوت است اما بیشتر کشورها صنایع کوچک و متوسط را به لحاظ تعداد کارکنان در طیف معینی از ۱ تا ۲۵۰ کارکن تعریف می نمایند.

مرکز آمار ایران کسب و کارها را به ۴ گروه طبقه بندی کرده است. کسب و کارهای دارای ۴۹_۱۰ کارگر، ۹۹_۵۰ کارگر، و بیش از ۱۰۰ کارگر (آمار سال ۱۳۸۷)، هرچند این طبقه بندی ظاهرا شباهتی با تعاریف اتحادیه اروپا دارد ولی مرکز آمار ایران فقط کسب و کارهای کمتر از ۱۰۰ نفر نیروی کار را بنگاه های کوچک و متوسط محسوب می کند و سایر کسب و کارها را کارخانجات صنعتی بزرگ قلمداد می کند. بانک مرکزی

¹ Davze(2005)

ایران نیز کسب و کارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به عنوان بنگاه های کوچک و متوسط تلقی می کند. (ملکی نژاد ۱۳۸۷)

۲-۱-۲- تعریف و اهداف بنگاه های زودبازده

طبق گزارشات وزارت کار و امور اجتماعی بنگاه های زودبازده نیز دارای تعاریفی هم ارز با صنایع کوچک و متوسط می باشند. هیات وزیران در مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۹ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزارت کار و امور اجتماعی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد اصل یکصد و سی و هشت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواردی از برنامه چهارم توسعه آیین نامه ای را جهت اجرای طرح بنگاه های زودبازده و کارآفرین ابلاغ نمودند که اهداف این طرح عبارت اند از:

- ۱- سازمان دهی بنگاه های زودبازده
- ۲- توزیع عادلانه منابع در تمامی مناطق بویژه در مناطق محروم
- ۳- توزیع عادلانه درآمد بین اقشار مردم، بویژه مردم مناطق محروم
- ۴- افزایش تسهیلات بانکی این بنگاه ها
- ۵- افزایش تولید و صادرات این بنگاه ها
- ۶- تقویت کارآفرینی، اشتغال زایی و افزایش فرصت های شغلی جدید

به طور کلی یکی از راهکارهایی که تا کنون در کشور ما به جهت جمعیت و بحران بی کاری و ناکارآمدی عوامل تولید مطرح شده بحث ایجاد بنگاه های زودبازده بوده است. دلیل اینکه بنگاه های زودبازده و کارآفرین در ایجاد اشتغال می توانند سهم بسزایی داشته باشند عبارت است از:

- ۱- مشارکت عمومی مردم در ایجاد بنگاه ها به جهت نیاز به منابع مالی و غیر مالی محدود.
- ۲- بهره وری حاصل از این بنگاه ها نسبتاً و به طور ملموس به مردم اقشار متوسط جامعه می رسد.
- ۳- با توجه به افزایش بی کاران، خصوصاً زنان تحصیل کرده از یک طرف و عدم امکان دولت جهت ایجاد شغل برای همه مردم این بنگاه ها می توانند در ایجاد مشاغل برای مردم و به اصطلاح ایجاد اشتغال غیر مزدبگیری و متکی به خود گام بردارند.

- ۴- یکی از محاسن دیگر این بنگاه‌های زودبازده این است که این بنگاه‌ها به صورت منطقه‌ای می‌توانند، اولاً :
- پتانسیل بالقوه را شناسایی و ثانیاً: با توجه به پتانسیل موجود نیروی انسانی، منابع، سرمایه و مدیریت منطقه‌ای ،محصول یا خدمات خاص منطقه را تولید و نیازهای منطقه را برآورده سازند و بی‌کاران به کار گرفته شوند.
- ۵- یکی از عادلانه‌ترین شیوه‌های توزیع درآمد ایجاد بنگاه‌های زودبازده می‌باشد.

۲-۱-۳- تاریخچه بنگاه‌های کوچک در ایران

تا پیش از سال ۱۳۴۳ چیزی به اسم بنگاه کوچک در ایران مشخص نشده بود و صنعت عبارت بوده از صنایع بزرگ جدیدی که از دهه دوم قرن حاضر تاسیس آنها در ایران آغاز شده بود و یا صناعی که از قرن‌ها قبل نسل به نسل از قدیمی‌ترین صنعت‌گران به فرزندان آنها به ارث رسیده بود. اولین قدم برای ترویج و توسعه بنگاه‌های صنعتی کوچک مدرن در ایران از اواسط سال ۱۳۴۳ آغاز گردید. در این سال هیات وزیران وقت با توجه به لزوم توسعه صنایع کوچک و متوسط ، طرح اجرای برنامه‌های کمکی مالی و تهیه تسهیلات کارخانه‌ای مدرن در قالب نواحی صنعتی یا زیربنایی لازم ، تصمیم به تاسیس سازمانی به نام سازمان نواحی صنعتی گرفت. سازمان مزبور مسئول اصلی طرح و تاسیس نواحی صنعتی در مناطق مختلف کشور گردید و در همان زمان یک ناحیه صنعتی نمونه در اهواز با همکاری سازمان ملل تاسیس گردید. به زودی آشکار شد که تاسیس نواحی صنعتی به خودی خود نمی‌تواند برای ترویج و گسترش صنایع کوچک کافی باشد و این امر مستلزم طرح و اجرای برنامه‌های جامع‌تر برای کمک به صنایع کوچک است. مسئولان امر دریافتند که مهم‌ترین وظیفه در راه توسعه بنگاه‌های کوچک ، تشویق سرمایه‌گذاران داخلی به تاسیس واحدهای صنعتی کوچک مدرن و ترغیب صاحبان صنایع موجود به بالا بردن سطح کارایی‌شان است و برنامه تاسیس نواحی صنعتی تنها در صورتی می‌تواند در توسعه صنایع کوچک موثر باشد که با برنامه‌های دیگر برای توسعه این بخش صنعتی تلفیق شود.

۲-۱-۴- تحولات در اقتصاد جهانی

سه تحول اساسی که موجبات رشد بیشتر کسب و کارهای اقتصادی کوچک و متوسط را نسبت به کسب و کارهای بزرگ فراهم می‌سازد عبارت‌اند از:

الف) تشدید رقابت جهانی

تشدید رقابت جهانی پدیده‌ای شناخته شده است. یادآوری این نکته کافی است که بعد از جنگ جهانی رشد مبادلات بازرگانی در سطح جهان، سرعت بالاتری را نسبت به رشد تولید در کشورهای صنعتی داشته است. برای مثال در فاصله سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۵۰ تولید ناخالص داخلی فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و ایالت متحده، به طور متوسط رشدی معادل ۵.۵ درصد در سال را داشته است. این درحالی است که نرخ رشد متوسط صادرات در این کشورها، در این دوره برابر ۹.۷ درصد بوده است و در دوره بعد (۱۹۷۳-۱۹۹۰) که با افت قابل ملاحظه رشد همراه بود، حجم صادرات معادل ۴.۷ درصد بالاتر از رشد تولید ناخالص داخلی با رقمی معادل ۲.۷ درصد قرار گرفت. پس می‌توان به این نتیجه رسید که بنگاه‌ها نسبت به قبل با یک رقابت شدیدتری در بازارهای داخلی مواجه هستند و سهم بیشتری از فروش را در بازارهای جهانی دارا هستند (جاویدنیا، ۱۳۸۷).

ب) افزایش نااطمینانی

یکی دیگر از عوامل موثر در تغییر اقتصاد جهانی که حداقل به طور غیر مستقیم در بزرگی ساختار فعالیت‌های اقتصادی موثر بوده نااطمینانی است. عواملی چون ناپایداری نرخ تبدیل ارز، افزایش قیمت نفت در طول سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ و ۱۹۷۹-۱۹۸۰ و فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد همراه با افزایش سهم فعالیت‌های اقتصادی در بازارهای جهانی در دامن زدن به نااطمینانی موثر بودند. اثر این اتفاقات بر بازارهای مالی و بازارهای کالا و خدمات در کشورهای جهان موجب بروز بی‌اعتمادی بیشتر در کنار افزایش خطر پذیری فعالیت‌های اقتصادی گردید.

ج) تقاضای فزاینده برای محصولات متنوع

سومین تحولی که در دنیای اقتصاد واقع شده، تقاضای فزاینده برای محصولات متنوع است که خود عاملی برای توسعه بنگاه های کوچک و متوسط می باشد. به موازات ارتقای سطح زندگی، تغییر ذائقه و تغییر در ساختار هزینه ها، تقاضای مصرف کنندگان از محصولات استاندارد فاصله گرفته و به محصولات پیچیده تر و متنوع تری نزدیک می شود. به دو دلیل، یکی تشدید رقابت که در قسمت الف بحث شد و دیگری افزایش توانایی تولیدکنندگان در اعمال تنوع بیشتر در محصولاتشان به دلیل تحول در فناوری، امکان دسترسی به محصولات متنوع افزایش می یابد. این تغییر انعکاسی در تنوع محصولات داشته که در بسیاری از تولیدات مشهود است (جاویدنیا ۱۳۸۷).

۲-۱-۵- نظریه های موجود درباره علل گرایش به بنگاه های کوچک و متوسط

در دو دهه اخیر تغییرات اساسی و کیفی بسیاری در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وجود آمده است. اقتصاد دانان و نظریه پردازان سازمان ها و تشکیلات صنعتی، در توجیه این تغییرات نظریه هایی را ابراز داشتند و تلاش کرده اند تا علل شکل گیری این تغییرات و پیامدهای آنان را موشکافی نمایند. نظریه اقتصادی پن روز^۱، نظریه اکس و آدرش^۲ و همچنین نظریه الگوی توسعه خوشه ای از مهم ترین نظریات در این مجال به شمار می آیند.

الف) نظریه اقتصادهای حاشیه ای پن روز

پن روز به عنوان یک اقتصاد دان، در نظریه اقتصادهای حاشیه ای خود اظهار می کند: " در شرایط اقتصادی و رونق اقتصادی، ایجاد فرصت های رشد برای صنایع کوچک و متوسط، قابل دستیابی و راحت تر از توسعه صنایع بزرگ است "

¹ penrowze

² Axe & Adershe

بر اساس این نظریه، در مراحل ابتدائی بروز شرایط رشد عمومی و باز شدن افق‌های جدید توسعه و گسترش فعالیت‌های تولیدی، صنایع بزرگ به علت محدود بودن زمینه‌های توسعه و اقتصادی نبودن نسبی افزایش ظرفیت‌ها (که مستلزم ظرفیت‌های کلان است) به این فرصت‌ها در برنامه ریزی خود، توجه کمتری دارند و ترجیح می‌دهند سرمایه خود را در افزایش تولیدات جاری صرف نمایند، تا اینکه آن را صرف سرمایه‌گذاری در تولیدات جدید نمایند، چرا که زمان ثمردهی آن طولانی بوده و هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی سنگینی را نیز به این صنایع تحمیل میکند. گرچه طیف گسترده‌ای از نوآوری‌ها در محصولات و فرآیند تولید با سرعت زیاد در حال وقوع است، ولی روش بکارگیری نوآوری‌ها در صنایع بزرگ، به سبب ساختار خاص این صنایع با آرامش و طبق برنامه ریزی میان مدت و یا درازمدت صورت می‌پذیرد. در واقع در بنگاه‌های بزرگ تنها نوآوری‌های متناسب با شرایط بازار و استراتژی بنگاه و قابلیت انعطاف ماشین‌آلات موجود به کار گرفته می‌شود و مدیران از به کارگیری دیگر نوآوری‌ها صرف نظر می‌کنند. در این بنگاه شرایط به کارگیری نوآوری، به خصوص در فرآیند تولید، مستهلک شدن ماشین‌آلات موجود، یا فرصت‌های درآمدی بالا، یا حفظ سهم شرکت‌های بزرگ از بازار است. برعکس در بنگاه‌های کوچک این نوع محدودیت‌ها وجود ندارد، چرا که آنها با هزینه‌های عمومی کم و ظرفیت محدود ماشین‌آلات، انعطاف پذیری بیشتری دارند. به علاوه به کارگیری ماشین‌آلات جدید با فن‌آوری پیشرفته، موجب افزایش این مزیت در آنها گشته و امکان رشد را در صنایع کوچک و متوسط به شدت افزایش می‌دهد بنابراین بنگاه‌های بزرگ صنعتی به شکل سیستماتیک مجبورند از بسیاری از نوآوری‌های جدید و فرصت‌های تولید به نفع صنایع کوچک چشم‌پوشی کنند (ملکی-نژاد، ۱۳۸۵).

مسئله دیگر تنوع محصولات است، درست است که بنگاه‌های بزرگ تنوع محصولات را در سیاست‌های تولیدی خود اعمال می‌کنند ولی نیروی خود را صرف حفظ موقعیت خود در بازار و تقویت آن می‌نمایند. بدین ترتیب در حالی که استراتژی تولیدکنندگان بزرگ، رقابت تنگاتنگ با رقبای دیگر و حفظ سهم خود از بازار است، صنایع کوچک به سادگی می‌توانند در زمینه تولیدات جدید به سرعت اقدام نمایند، تولیدات جدیدی که بنگاه‌های بزرگ به سبب پیروی از منطق خاص رقابتی خود حداقل در مراحل اولیه از آن چشم‌پوشی می‌کنند.

از طرف دیگر، منطق حاکم بر بازار، صنایع بزرگ را مجبور می‌سازد تا هزینه‌های سنگینی را برای نگهداری مراکز بزرگ تحقیق و توسعه، هزینه‌های تبلیقات، بازاریابی و روابط عمومی متقبل می‌شوند. چیزی که در صنایع کوچک اصولاً یا مطرح نیست یا به شکل بسیار محدودی مطرح است. صنایع بزرگ این هزینه‌ها را نهایتاً در قیمت محصولات خود سرشکن می‌کنند و این خود سبب بالا رفتن قیمت محصولاتی می‌شود که در شرایط مشابه به وسیله صنایع کوچک نیز تولید می‌شوند. در این شرایط تولیدکنندگان بزرگ خود را در وضعیتی می‌یابند که قیمت بعضی از تولیداتشان بسیار بالاتر از محصولات مشابه صنایع کوچک است (ملکی نژاد ۱۳۸۵)

ب) نظریه اکس و آدرش

در دو دهه اخیر وحدت بازارها و افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان موجب تغییر در ساختار تقاضا گشته است. از آنجا که صنایع بزرگ به سبب ساختار خاص خود، انعطاف لازم را در جوابگویی به تنوع طلبی مصرف‌کنندگان ندارند، زمینه رشد صنایع کوچک بیش از پیش فراهم شده است (ملکی نژاد، ۱۳۸۵). عوامل دیگری نیز در تحول ساختار تقاضا و حرکت به سمت صنایع کوچک و متوسط موثر بوده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱) تمایل صنایع بزرگ در بازگشت به تخصص‌های اصلی خود و واگذاری بخش‌های دیگر تولیدی به صنایع کوچک و اقماری و تامین بخش قابل توجهی از نیازهای خود از طریق پیمانکاری
- ۲) کاهش اطمینان از روند بازار و هزینه‌های بالای نگهداری بخش‌های تولیدی
- ۳) نوآوری در تولید و فرآیند

ج) نظریه الگوی توسعه خوشه‌ای

از حدود سه دهه پیش، ساختار خوشه‌ای صنعتی در کشور ایتالیا، نظر دانشمندان توسعه را به خودش جلب کرده است. در بعضی رشته‌های صنعتی و با تکیه بر مزیت‌های خاص برخاسته از مهارت‌ها و دانش‌ها (که بر اثر گذشت زمان تبدیل به سرمایه‌های اجتماعی مطلق شده‌اند)، این خوشه‌ها توانسته‌اند موجبات رشد اقتصادی را در بسترهای جغرافیایی خود فراهم آورند. هر خوشه صنعتی متشکل از تعدادی از صنایع کوچک و انواع

شرکت‌های خدمات مالی، مشاوره‌ای، بازاریابی و ... است. این صنایع با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم و همکاری‌های سیستماتیک با یکدیگر، ضمن دستیابی به شاخص‌های تولید انبوه، از مزیت‌های صنایع کوچک همچون نوآوری و تنوع نیز برخوردار هستند.

ادمیرال^۱ معتقد است که در ترتیبات جدید، رابطه بین صنایع بزرگ و کوچک به شکل قابل توجهی در حال تغییر است. شاید دیگر درست نباشد که بنگاه‌های کوچک و بزرگ را مقابل هم در نظر بگیریم. دیگر موضوع در تغییرات نسبی مقداری خلاصه نمی‌شود، بلکه شاهد تغییراتی هوشمند در شبکه‌های همکاری هستیم که به واسطه آنها صنایع با مقیاس‌های مختلف، توانایی متخصص شدن در پروژه‌هایی را دارند که برای آن مناسب‌ترین است. به عبارت دیگر صرف بزرگی یا کوچک بودن ایجاد مزیت نمی‌کند، بلکه تخصص و کارایی است که بقای یک بنگاه را تضمین می‌کند. لذا بنگاه‌ها برای بقای در بازار نیازمند همکاری با یکدیگر هستند، در این بین بنگاه‌های بزرگ بیشتر از بنگاه‌های کوچک نیازمند همکاری هستند (ملکی‌نژاد، ۱۳۸۵).

از اوایل دهه ۱۹۷۰، رفته‌رفته شکاف‌هایی در ساختار صنایع تولیدی بعضی کشورهای پیشرفته از جمله بعضی از بزرگ‌ترین کارخانه‌ها و صنایع ظاهر شدند. در همان زمان نشانه‌هایی مبنی بر اینکه بعضی صنایع کوچک از نظر عملکرد از رقبای بزرگ خود پیشی گرفتند آشکار شد. شاید بهترین نمونه صنعت فولاد ایالت متحده بود که در آن صنایع جدید به شکل کارخانه‌های کوچک ذوب آهن و با اشتغال‌زایی محدود به بازار وارد می‌شدند، درحالی که کمپانی‌های بزرگ کارخانه‌های خود را تعطیل می‌کردند و تعداد کارکنان خود را به چند کشور تقلیل می‌دادند، این موضوع پس از دو شوک نفتی موجب دوباره قوت گرفتن نقش و اهمیت صنایع تولیدی کوچک و تفرق آرا در مورد مقیاس صنایع شد.

۲-۱-۶- مشکلات و تنگناهای SMEها

اکثر کشورهای جهان به اهمیت SMEs در ارتقای سطح نوآوری، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال پی بردند و برنامه‌های گسترده‌ای را برای حمایت از توسعه این بخش از اقتصادشان اجرا نموده‌اند. کمبود منابع مالی

¹ Edmiralle

یک مشکل اساسی اکثریت صنایع کوچک و متوسط در هر کشور است و تامین مالی آنها یکی از اصلی ترین روش های حمایتی است که در کشورهای مختلف در صدر برنامه های حمایتی قرار گرفته است.

دسترسی به منابع مالی را می توان اصلی ترین مشکل صنایع کوچک و متوسط دانست. قدرت کم بازار ، کمبود مهارت های مدیریتی، نداشتن وثیقه های مطمئن ، عدم امکان ارزیابی کامل ریسک فعالیت ها و سهم بالای دارایی های نامحسوس در شرکت های مزبور ، مهم ترین عواملی هستند که باعث شده اند بانک ها و موسسات مالی تجاری علاقه چندانی به تامین مالی این صنایع نداشته باشند(قدیمی، ۱۳۸۵). همچنین صنایع کوچک و متوسط از لحاظ دستیابی به بازارهای صادراتی یا تولید کالاهای صادراتی با مشکلات و موانع متعددی روبرو هستند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

الف) مشکلات مربوط به تولید

_ محدود بودن کالاهای صادراتی صنایع کوچک و متوسط و عدم تنوع در تولید آنها

_ کافی نبودن تسهیلات زیربنایی که به سبب نیاز به افزایش تولید باید در اختیار این صنایع گذاشته شود.

_ پایین بودن کیفیت برخی از محصولات عرضه شده توسط صنایع کوچک و متوسط و عدم انطباق این محصولات با نیازهای بازار مصرف

_ کمبود نقدینگی برای تحقق هدف های صادراتی

ب) دسترسی به بازار

_ محدود بودن بازارهای داخلی و پایین بودن سطح درآمد این صنایع

_ وجود موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای

_ تعاملات شدید صنایع بزرگ صادراتی یا صنایع کوچک و متوسط به منظور حذف آنها از بازار و تنوع بالای محصولات آنها

ج) مشکلات مربوط به بازاریابی

_ در اختیار نداشتن اطلاعات و تخصص بازاریابی

_ عدم توجه کافی به تحقیقات بازاریابی

_ عدم توجه به شرکت‌های تخصص بازرگانی که در زمینه بازاریابی بین‌المللی فعال هستند

همچنین از عوامل بازدارنده و موانع رشد صنایع کوچک و متوسط در کشور ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

_ داشتن ساختار سنتی از جنبه‌های مختلف مدیریتی، نیروی انسانی و ماشین‌آلات

_ محدود بودن به بازارهای کوچک و بسته محلی

_ در اختیار نداشتن منابع مالی لازم و کافی

_ پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری‌های جدید

_ وجود قوانین انعطاف‌ناپذیر کار و تامین اجتماعی مالیاتی

_ آسیب پذیر بودن این صنایع در مشکلات و بحران‌های اقتصادی جهت رویایی با تورم مشکلات تامین مواد اولیه و غیره

_ نبودن نظام منسجم پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط

_ پایین بودن نرخ ورود صنایع کوچک و متوسط به بازار و مشخص نبودن نرخ واقعی خروج از آن

۲-۱-۷- سیاست ها و برنامه های حمایت از صنایع کوچک و متوسط

امروز توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط به صورت یک اصل مهم در استراتژی‌های ایجاد اشتغال و کاهش فقر درآمده است. در بسیاری از کشورها جهت تسهیل فعالیت های SMEs و بهبود عملکرد آنها، برنامه‌های حمایتی طراحی و اجرا می شود. ولی بسیاری از صنایع کوچک و متوسط هرگز از اجرای چنین برنامه‌هایی مطلع نمی شوند.

به عنوان مثال در بنگلادش، نپال و فیلیپین بیش از ۷۰ درصد بنگاه های مورد مطالعه هیچ اطلاعاتی در مورد برنامه های کمک و حمایت از صنایع کوچک و متوسط نداشتند و همچنین طبق نظر رنیک^۱ در برخی از کشورها برنامه‌های حمایتی از صنایع کوچک و متوسط در حالی اجرا می شوند که محیط کلی اقتصاد و تجارت، بر مبنای برتری قرار دادن صنایع بزرگ بر صنایع کوچک قرار دارد (کهزادی و دهقان دهنوی، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر یک برنامه حمایتی خاص، می تواند باعث ایجاد انحراف در سیاست‌های کلی اقتصاد کشور شود و بسیاری از صنایع کوچک و متوسط را متحمل فشار و زیان ناشی از این انحراف سازد در حالی که هیچ استفاده ای از آن برنامه حمایتی خاص نبرده اند. حتی ممکن است که برخی از بنگاه‌های اقتصادی به دلیل منافع ناشی از یک برنامه حمایتی از رشد و توسعه واحدهای خود جلوگیری کنند تا همچنان در شمول آن برنامه قرار داشته باشند و یا این امکان وجود دارد که برخی از بنگاه‌ها برای استفاده از یک برنامه، تعداد کارکنان خود را کاهش دهند.

به طور کلی درحالی که تمام برنامه‌های سیاستی و حمایتی اثراتی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند فقط برنامه‌های خاص و تحت شرایط ویژه ای می تواند اثرات مثبتی بر این بنگاه‌ها داشته باشد لذا در طراحی همه

¹ Renike

سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی باید به اثرات درونی و برونی آن برنامه بر فعالیت بنگاه‌های کوچک تر توجه داشت.

به طور کلی بحث‌های مبتنی بر سیاست‌های حمایتی مبتنی بر سه بحث اصلی است. اولاً: طرفداران صنایع کوچک و متوسط معتقدند که این صنایع موجب تسهیل رقابت و کارآفرینی می‌شوند، از این رو این صنایع به دلایل ایجاد کارایی نامحدود اقتصادی، نوآوری و رشد بهره‌وری کل دارای اهمیت هستند و با این چشم‌انداز حمایت مستقیم دولت از صنایع کوچک و متوسط به منظور رشد اقتصادی کشور لازم می‌باشد.

اول: طرفداران صنایع کوچک و متوسط بارها ادعا کرده‌اند که این صنایع دارای تولیدات بیشتری نسبت به صنایع بزرگتر هستند اما عدم موفقیت بازارهای مالی و دیگر موسسات مانع توسعه این صنایع شده است از این رو پیشرفت نهادها و بازارهای مالی و همچنین حمایت‌های مالی دولت از SME ها می‌تواند باعث بالا رفتن رشد اقتصادی و توسعه کشور شود.

نهایتاً برخی معتقدند به دلیل کاربرتر بودن صنایع کوچک و متوسط، این صنایع دارای ظرفیت‌های شغلی بیشتری نسبت به صنایع بزرگتر هستند و با این چشم‌انداز حمایت از صنایع کوچک و متوسط می‌تواند ابزاری جهت کاهش فقر باشد.

البته این سیاست‌های حمایتی از صنایع کوچک و متوسط، چهار دیدگاه شکاکانه را درباره کارایی این سیاست‌ها به همراه دارد. اولاً: بعضی از محققین بر مزایای صنایع بزرگ تاکید دارند و فرضیات اصولی دیدگاه طرفداران صنایع کوچک و متوسط را به چالش می‌کشاند. آنها معتقدند صنایع بزرگ دارای صرفه‌جویی‌های اقتصادی هستند و قادرند به راحتی هزینه‌های ثابت مربوط به تحقیق و توسعه کم (R & D) را با اثر بهره‌وری مثبتی متقبل شوند. بعضی از محققین معتقدند که صنایع بزرگ ظرفیت‌های شغلی بیشتری را ایجاد می‌کنند و در نتیجه موجب کاهش فقر می‌شوند (پاگانو، پاتریزو ۲۰۰۱)

دوم: تعدادی از محققین مانند لیتل^۱ و بیکن^۲ دریافتند که صنایع کوچک و متوسط نسبت به صنایع بزرگ نه کاربرترند و نه در ایجاد اشتغال موفق ترند. این محققین اخیراً دریافتند که حمایت‌های مالی صنایع کوچک و متوسط، نهادها و موسسات حمایتی، موجب صدمه زدن به تعداد زیادی از صنایع دیگر شده است. چون بیشتر کمک‌های مالی به SMEها اختصاص داده شده است و به دیگر صنایع توجه کمتری شده است.

سوم: تعدادی از محققین در درستی این بحث که اندازه صنایع یک عامل تعیین کننده رشد اقتصادی است تردید کرده اند. ساختار تشکیلات صنعتی، موهبت‌های منابع طبیعی، تکنولوژی و سیاست‌های حمایتی و کمک‌های مالی نهادها و موسسات است که اندازه بهینه بنگاه را تعیین می‌کند. مثلاً ممکن است بعضی کشورها به دلیل موهبت‌های طبیعی در تولید کالاهایی که به طور کاراتری در صنایع بزرگ تولید می‌شوند دارای برتری نسبی باشند در حالی که کشورهای دیگر ممکن است در کالاهایی برتری نسبی داشته باشند که از دیدگاه اقتصادی در صنایع کوچک و متوسط تولید شده اند.

چهارم: آخرین دیدگاه شکاکانه درباره دیدگاه طرفداران صنایع کوچک و متوسط دیدگاه محیط کسب و کار است که در آن بر اهمیت محیط کسب و کار برای همه صنایع، چه بزرگ و چه کوچک تاکید شده است. محدودیت موانع ورود و خروج و حقوق مالکیت به خوبی تعریف شده است و تشریح اجرای یک قرارداد موثر یک محیط کسب و کار منجر به معاملات تجاری خصوصی و رقابتی می‌شوند. مادامی که این عوامل موجب تقویت صنایع کوچک و متوسط می‌شوند تمرکز این دیدگاه منحصر به روی صنایع کوچک و متوسط نیست، بلکه تمرکز این دیدگاه بر روی همه کسب و کارها می‌باشد از این رو این دیدگاه نیز مطابق دیگر دیدگاه‌ها سیاست‌های حمایتی از صنایع کوچک و متوسط را زیر سوال می‌برد.

¹ Little

² Beck